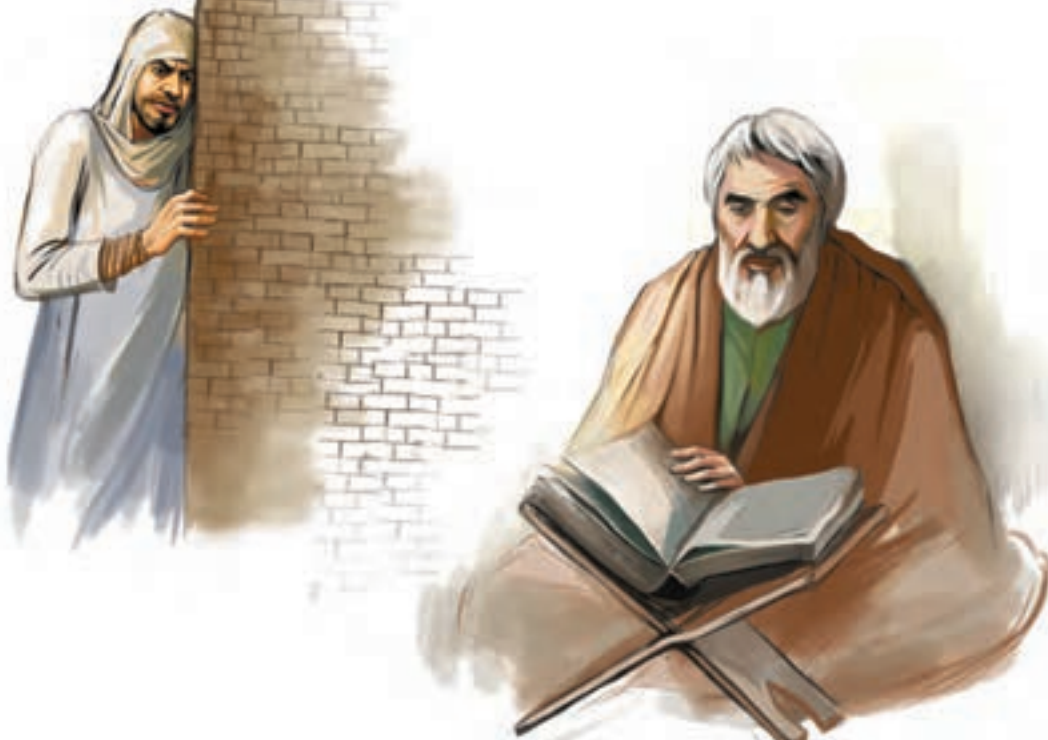


آری پروردگارا، اکنون زمان آن فرا رسیده، و هنگام خشوع دل من همین الان است. این آیه آن چنان در قلب او اثر گذاشت که تمام زندگی‌اش را دگرگون ساخت.

آن شب را به کاروان‌سرای رفت تا استراحت کند. کاروانیان عازم سفر حج بودند، آنها درباره‌ی ادامه‌ی سفر گفت‌وگو می‌کردند. شخصی گفت: نباید در شب حرکت کنیم، چون راه ناامن است، در این منطقه راهزنی بی‌رحم و سنگدل وجود دارد که با کمک همدستان خود راه را بر کاروانیان می‌بندد و دست به دزدی می‌زند. دوستان آن شخص حرف او را پذیرفتند و هر یک داستانی از راهزنی‌های آن مرد بی‌رحم تعریف کردند.

فُضیل همه این حرف‌ها را شنید و با خود گفت: خدایا، من چقدر بدبخت و بیچاره هستم که پیوسته خاطر آسوده‌ی مردم را به ترس می‌اندازم و آنها را نگران می‌کنم. او با شجاعت از جا برخاست و خود را به کاروانیان معرفی کرد و گفت: ای مردم، آسوده باشید که دیگر کاروانی از دست فضیل ناراحت نخواهد شد. آن فضیل مرده است و فضیل دیگری متولد شده است.

بعدها کاروانیان فضیل بن عیاض را دیدند که با حالی دگرگون، برگرد خانه‌ی خدا به طواف مشغول است. از آن به بعد دیگر مردم او را به جای فضیل سارق، فضیل عارف می‌شناختند.



ادامه‌ی آیات درس را تا آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی حدید از روی قرآن، بخوان.



یادآوری ۲

فعالیت ۱- مفهوم این حدیث پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با کدام آیه ارتباط دارد.

طَيَّبُوا أَفْوَاهَكُمْ بِالسَّوَاكِ، فَإِنَّهَا طُرُقُ الْقُرْآنِ

دهان‌های خود را با مسواک پاکیزه کنید؛ زیرا که دهان شما گذرگاه قرآن است.^۱

- ۱- سوره‌ی حَديد، آیه‌ی ۲۵ □ ۲- سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۷۹ □ ۳- سوره‌ی الرَّحْمَن، آیه‌ی ۶۰ □

فعالیت ۲- با توجه به حروف مقطعه، آیات زیر را بخوانید.

- ۱- ص ۱۱ و الْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ۲
- ۲- طه ۱۱ ما أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ۲
- ۳- يس ۱۱ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ۲
- ۴- طسم ۱۱ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۲
- ۵- كهيعص ۱۱ ذِكْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ۲
- ۶- حم ۱۱ عسق ۲ كَذَلِكَ يُوحى إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۳

فعالیت ۳- با اعضای گروه خود، یک گزینه را انتخاب کنید و آیات آن را روی قرآن کامل بخوانید.

- ۱- سوره‌ی ذاریات، آیات ۱ تا ۱۱ ۲- سوره‌ی طور، آیات ۱ تا ۱۱ ۳- سوره‌ی قمر، آیات ۱ تا ۶
۴- سوره‌ی الرَّحْمَن، آیات ۱ تا ۷ ۵- سوره‌ی واقعه، آیات ۱ تا ۷ ۶- سوره‌ی حديد، آیات ۱ تا ۳

فعالیت ۴: به کمک هم گروهی خود، آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی آل عمران را در قرآن کامل بیابید و بخوانید.

به این آیه «آیه‌ی مباحله» می‌گویند؛ برای آشنایی با معنای مباحله و داستان آن به صفحات بعد مراجعه کنید.



فاتحان بی سپاه

شهر مدینه اولین باری است که میهمانانی چنین غریبه را به خود می‌بیند. گروهی از بزرگان و دانشمندان مسیحی به این شهر آمده‌اند تا با پیامبر اسلام ملاقات کنند.

میهمانان مسیحی وارد مسجد می‌شوند، پیامبر از جای برمی‌خیزد و به گرمی از آنان استقبال می‌کند. در میان آنها که همه از دانشمندان مسیحی سرزمین نجران هستند، پیرمردی به چشم می‌خورد، که پیداست سرپرستی گروه را برعهده دارد. او با پیامبر شروع به سخن گفتن می‌کند: «چندی پیش، نامه‌ای از شما به دست ما رسید، آمده‌ایم تا از نزدیک، سخنان شما را بشنویم».

پیامبر می‌گوید: «آنچه من از شما خواسته‌ام، پرستش خدای یگانه و پذیرش اسلام است.» سپس برای معرفی اسلام، آیاتی از قرآن کریم را برای ایشان می‌خواند.

آنها پاسخ می‌دهند: «اگر منظور از پذیرش اسلام، ایمان به خداست، ما قبلاً به خدا ایمان آورده‌ایم و به احکام او عمل می‌کنیم».

پیامبر می‌فرماید: «پذیرش اسلام، آثار و علائمی دارد که با آنچه شما معتقدید و انجام می‌دهید، سازگاری ندارد. شما حضرت عیسی علیه‌السلام را فرزند خدا می‌دانید، در حالی که او یکی از پیامبران الهی است و مانند آنها آفریده و بنده‌ی خداست».

آنها به فکر فرو می‌روند. هیچ‌یک از دانشمندان مسیحی، پاسخ قانع‌کننده‌ای برای این کلام پیامبر پیدا نمی‌کنند. عاقبت رهبر گروه پس از گفت‌وگوی طولانی چنین می‌گوید: «ما با این سخنان قانع نمی‌شویم و دست از دین خود برنمی‌داریم».



پیامبر از اینکه دانشمندان مسیحی با این بیان روشن، حقیقت را نمی‌پذیرند، تعجب می‌کند. در این حال،

فرشته‌ی وحی این آیه را بر پیامبر می‌خواند:

هر کس درباره‌ی حضرت مسیح با تو بحث و جدل می‌کند،

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ

پس از آنکه حقیقت روشن شد،

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ

به آنها بگو: خوب است

فَقُلْ تَعَالَوْا

شما پسرانتان را بیاورید و ما هم پسرانمان را،

نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ

شما زنانتان را بیاورید و ما هم زنانمان را

وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ

شما خودتان بیاید و ما هم خودمان می‌آییم،

وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ

سپس با هم مباحله کنیم.

ثُمَّ نَبْتَهِلْ

یعنی دعا کنیم و از خدا بخواهیم گروهی که دروغ می‌گویند
مورد نفرین و مجازات خدا قرار گیرند.

فَنَجْعَلَ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۱

پیامبر پس از انتقال این پیام الهی به آنان اعلام می‌کند که من برای «مباحله» آماده‌ام. دانشمندان مسیحی به

هم نگاه می‌کنند، پیداست که برخی از این پیشنهاد راضی نیستند، اما گویا چاره‌ای نیست.

زمان مراسم مباحله، صبح روز بعد و مکان آن صحرای بیرون مدینه تعیین می‌شود.



صبح روز بعد دانشمندان مسیحی در بیرون مدینه به دروازه‌ی شهر چشم دوخته‌اند تا محمد صلی الله علیه

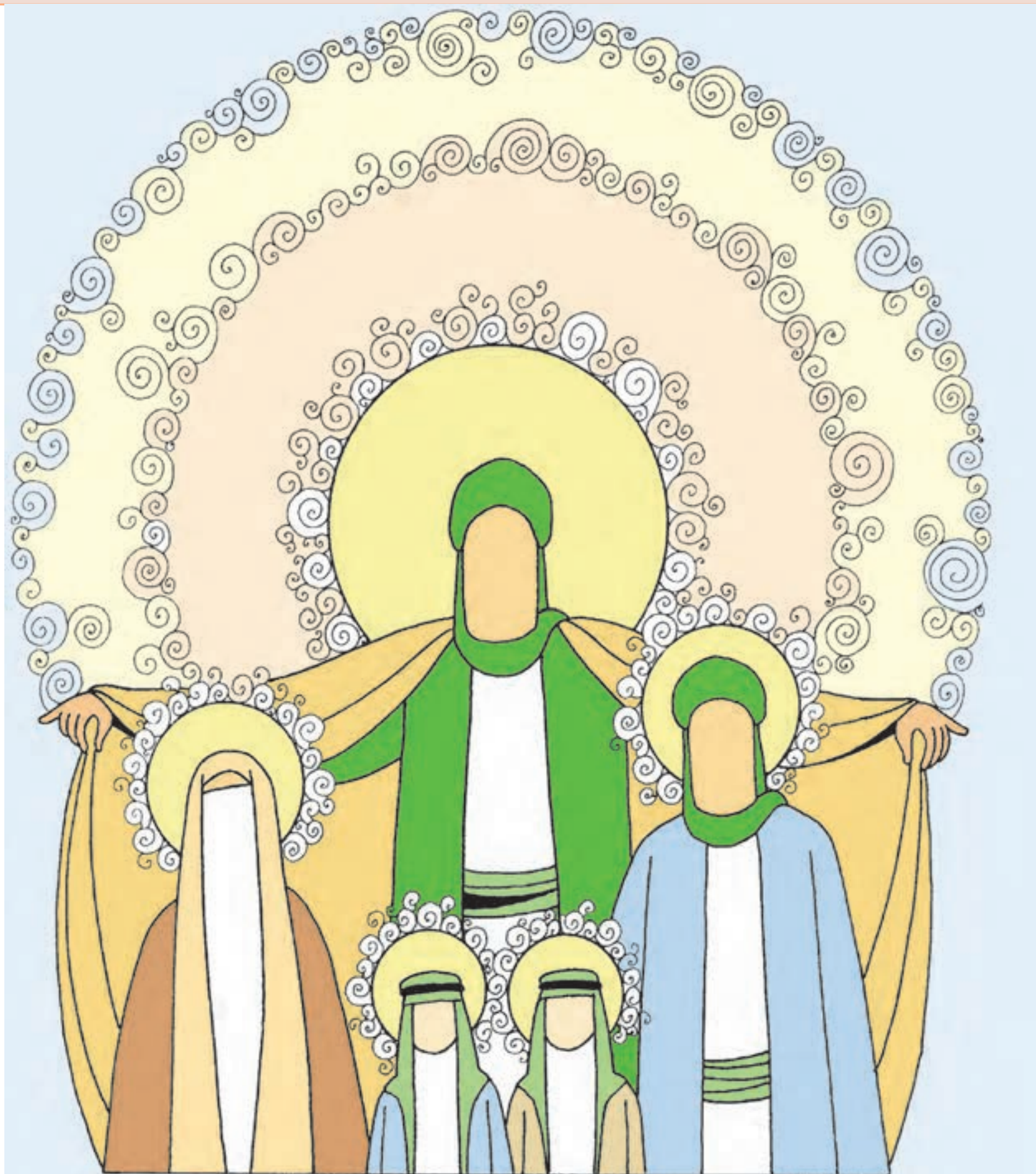
واله با لشکری از یاران خود در مراسم مباحله حاضر شود.

تعداد زیادی از مسلمانان نیز در کنار دروازه‌ی شهر و در اطراف مسیحیان و در طول مسیر صف کشیده‌اند

تا شاهد این مراسم بی‌نظیر و بی‌سابقه باشند.

لحظات انتظار سپری می‌شود و پیامبر در حالی که دست «حسن» را در دست و «حسین» را در آغوش





دارد، از دروازه‌ی مدینه خارج می‌شود. پشت سر او تنها یک مرد و یک زن دیده می‌شوند. آن مرد «علی» و آن زن، «فاطمه» است. تعجب و حیرت، همراه با نگرانی و وحشت بر دل مسیحیان سایه می‌اندازد. کسی می‌گوید: نگاه کن، او فقط دختر، داماد و دو نوه‌ی خردسال خود را به همراه آورده است.



بزرگ مسیحیان در حالی که صدایش می لرزد، می گوید: «همین نشان حقانیت اوست. به جای اینکه لشکری را برای مباحله بیاورد، فقط عزیزان و نزدیکان خود را آورده است، پیداست به حقانیت دعوت خود مطمئن است که عزیزترین کسانش را به همراه آورده است».

در این حال، چندین نفر از مسیحیان خود را به او می رسانند و با نگرانی و اضطراب می گویند: «ما به این مباحله تن نمی دهیم. چرا که عذاب خدا را برای خود حتمی می شماریم».

چند نفر دیگر ادامه می دهند: «مباحله مصلحت نیست. چه بسا عذاب، همه ی مسیحیان را در بر بگیرد». کم کم تردید و نگرانی در دل تمام دانشمندان مسیحی می افتد و همه تلاش می کنند که به نحوی رهبرشان را از انجام این مباحله بازدارند. رهبرشان همه را آرام می کند و می گوید: «من معتقدم که مباحله صلاح نیست. این پنج چهره ی نورانی که ما می بینیم، اگر دست به دعا بردارند، نابودی ما حتمی است».

او به سوی پیامبر می رود و با احترام و تواضع می گوید: «ما را از مباحله معاف کنید. هر شرطی که داشته باشید، قبول می کنیم».

پیامبر با بزرگواری و مهربانی، درخواست آنان را می پذیرد و به آنها می گوید: «مسلمانان از جان و مال مردم سرزمین نجران در مقابل دشمنان، محافظت می کنند؛ و در عوض، مردم نجران هم باید مالیات سالیانه پرداخت کنند».

آنها نیز این قرارداد را می پذیرند و خوشحال به سرزمین خود باز می گردند.



این داستان از افتخارات مسلمانان جهان است که پیامبر اسلام بدون آنکه جنگی صورت گرفته باشد، سرزمین نجران و دل های مردم آن دیار را فتح می کنند. خبر این واقعه، به سرعت در میان مسیحیان نجران و دیگر مناطق پخش می شود و مسیحیان حقیقت جو را به سوی مدینه ی پیامبر و پذیرش اسلام سوق می دهد.

داستان از آقای سید مهدی شجاعی (با اندکی تلخیص و تغییر)





لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ
بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ
وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا
وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ
مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم
بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا
فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَنِيَّةً ابْتَدَعُوهَا
مَا كَتَبْنَا عَلَيْهَا إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ
رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ
فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ
يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ
بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَيْلًا يَعْلَمَ أَهْلُ
الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ
بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

قرائت آیات درس را یک بار گوش کن و سعی کن مانند آن بخوانی.



قرائت آیات درس را گوش کنید و با نشان دادن خط، همراه با آن بخوانید.

آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی حَديد را بخوانید و به معنای آن توجه کنید.

۱- لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ

قطعاً فرستادیم پیامبران را با دلایل روشن؛

۲- وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

و نازل کردیم همراه ایشان کتاب و میزان (و معیار سنجش حق از باطل) را،

۳- لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

تا مردم به عدالت قیام کنند (و آن را برپا دارند)؛

۴- وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ

و نازل کردیم (در اختیار مردم قرار دادیم) آهن را،

۵- فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ

که در آن قدرت و استحکام بسیار و فایده‌ی فراوان برای مردم است.

۶- وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ

و تا خدا مشخص کند چه کسی او و پیامبرانش را بی‌آنکه او را ببینند، یاری می‌کند.

۷- إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۲۵﴾

قطعاً خدا قوی و شکست‌ناپذیر است.